

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

یکشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۴ • ۲۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ • ۲۵ می ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۱۸ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۱ • اذان صبح فردا ۲:۱۰ • طلوع آفتاب ۴:۵۲



پادهای ۱۲۰ روزه، این بار با شدتی بی‌سابقه بر زایل، زهک و شهرهای اطراف تاخه و زندگی مردمان این دیار را زیر لایه‌ای از گرد و غبار مدفون کرده است. این توفان‌ها که از نظر جغرافیایی با فقر پوشش گیاهی و خشکی مفرط زمین‌های سیستان پیوند دارد، پیامد مستقیم تغییرات اقلیمی، برداشت بی‌رویه منابع آبی و مدیریت ناکارآمد منابع طبیعی در دهه‌های گذشته است. عکس: علی عبدلی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

حسن کامشاد، مترجم و پژوهشگر ادبی درگذشت

رسته از فراموشی



چيست که به خورد معلم جاهل و شاگردان می‌دهی؟» و بعد از آن بود که کامشاد به توصیه مسکوب، شروع به خواندن تاریخ بیهقی می‌کند. بعدها کامشاد کتاب مهمش «پایه‌گذاران نثر جدید فارسی» را نوشت و به شاهرخ مسکوب تقدیم کرد.

کامشاد از دوران دانشجویی طرفدار حزب توده بود و در مسجد سلیمان فعالیت داشت و سپس در اهواز مسئول فعالیت‌های

گروه فرهنگ: حسن کامشاد، مترجم و پژوهشگر ادبی، در صدسالگی در لندن از دنیا رفت. کامشاد تیرماه سال ۱۳۰۴ در شهر اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را در دبیرستان ادب اصفهان گذراند و در آن ایام با مصطفی رحیمی، ارحام صدر و شاهرخ مسکوب هم‌کلاسی بود و دوستی‌اش با مسکوب تا آخر عمر او ادامه یافت. بعد از آن به تهران آمد و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت. پس از فارغ‌التحصیلی در شرکت نفت مشغول به کار شد و مدتی بعد هم به دعوت دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی در این دانشگاه پرداخت و مدرک دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه کمبریج را نیز دریافت کرد. دیداری اتفاقی با صادق جویک او را به ترجمه‌کشاند و از آن زمان به قول سیروس علی‌نژاد «کار و بارش ترجمه شد».

ابراهیم گلستان نیز در مرحله‌ای از زندگی او بر سرنوشت ادبی و کاری‌اش اثرگذار بود، اما کامشاد تأثیر شاهرخ مسکوب را بیش از هرکس دیگری می‌دانست. کامشاد در سال ۱۳۳۳ با شاهرخ مسکوب آشنا شده و مجذوب ادبیات کهن فارسی و آثاری همچون تاریخ بیهقی می‌شود. خودش روایت می‌کند که با مسکوب در کلاس ششم متوسطه هم‌کلاس بودند و هم‌زمان مصطفی رحیمی نیز هم‌کلاس آنها بود و «ما هر سه از شاگردان برجسته آن دبیرستان به شمار می‌آمدیم. هر سه ما نیز از شاگردان برجسته کلاس انشا بودیم که پس از قرائت انشا، دبیران و شاگردان همیشه ابراز احساسات می‌کردند. اما آنچه باید بگویم این است که انشاهای آن دو تن اصیل و بافکر بود اما نوشته‌های من همه اقتباس و سرقت از ترجمه‌های لامارتین و شاتو بریان بود. اوایل سال تحصیلی، هنگام زنگ تفریح، یک نفر به پشت من زد، برگشتم، مسکوب بود. بدون مقدمه‌چینی گفت: این مهملات رمانتیک

یادداشت

سه زن و یک گناه مشترک: عشق



جعفر کوردزی

رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران

هر پره، برُشی است از بهای زن بودن در کنار مردانی که جهان را به میل خود بریده‌اند. در پایان، این سه روایت در یک «دوره‌می» استعاری به هم می‌رسند؛ سه روح در برخی زنانه، دور میزی نشستند؛ نه برای کله، نه برای قضاوت، بلکه برای اشتراک تلخ‌ترین راز تاریخ؛ اینکه زن چگونه در حاشیه قدرت، بی‌صدا می‌میرد. زبان نمایش، روایی است، اما سرشار از استعاره. با این حال، ای کاش از بار دیالوگ‌ها کاسته می‌شد و بیشتر بر جنبه نمایشی و تصویرسازی تکیه می‌کرد؛ چراکه این حجم از دیالوگ، مجال بی‌روز حس، حرکت و زبان بدن بازیگر را مخدوش می‌کند و لحظات درخشان بصری را به حاشیه می‌راند. ساختار اجرا بر پایه سه مونولوگ روایی است که هریک، بر محور یک زن و یک دیکتاتور بنا شده، روایت‌ها جدا از هم آغاز می‌شوند، اما همچون رشته‌هایی از نخ سرخ خوبین، به هم گره می‌خورند. آنچه به جای تقابل، ما را به وحدت می‌کشاند، مضمون فروپاشی عشق‌هایی است که با قدرت هم‌آغوش شده‌اند و به تهی ختم می‌شوند. زبان نمایش، آگاهانه ساده و صمیمی است؛ بی‌پیرایه، بی‌ارایش، اما نافذ. این انتخاب، جسورانه و پریسک است؛ چراکه اجرا را از شعار و شمایل سیاسی دور می‌کند و آن را در زیست فردی و عاطفی زنانه تثبیت می‌سازد. تماشاگر، در لحظه، آن زن را می‌بیند، نه نماد او را. درون‌مایه مرکزی این اجرا، فریبندگی عشق در سایه قدرت است. اینکه چگونه زنان، دانسته یا نادانسته، به بازوی نرم دیکتاتورها بدل می‌شوند و چگونه سرنوشت‌شان در تارهای سنت و وابستگی، خاواده

ختم می‌شود یا به اعتراف، هر زن، خود یک پرده است.

۸۲۶۵ هکتار

آتش‌سوزی؛ آتش‌سوزی‌های جنگلی در ایالت آریزونای آمریکا ادامه دارد. این آتش‌سوزی‌ها تاکنون هشت‌هزارو ۲۶۵ هکتار از اراضی را سوزانده است. براساس بیانیه صادرشده رسمی، بیش از ۷۰۰ پرسنل برای مبارزه با آتش‌سوزی مستقر شده‌اند و ۳۸ درصد از منطقه آسیب‌دیده، اکنون تحت کنترل است. صدها آتش‌نشان در حال مبارزه با آتش‌سوزی ناشی از وزش باد شدید هستند که درحال حاضر پوشش گیاهی طبیعی ازجمله چمن، درختچه‌ها و درختان را تحت تأثیر قرار داده است. آتش‌سوزی‌های جنگلی از ۱۳ می آغاز شده است.

و احساس گره می‌خورد؛ گره‌هایی که پایانشان نه نجات،

بلکه اندوه است. نمایش، با چیره‌دستی، نه در ستایش زن ایستاده، نه در نکوهش مرد، بلکه بر گسست انسانیت در ساختارهای قدرت انگشت می‌گذارد. سه زن، سه صدا، سه بدن؛ اما یک حقیقت؛ ویرانی. بازی هدیه محقق، بهاره رهنما و السا فیروزآذر، چیزی فراتر از ایفای نقش است؛ آنها به پوست زنانی خزیده‌اند که میان عشق و استبداد، مدام پوست‌اندازی کرده‌اند. درک آنها از نقش، در سطح بازآفرینی نیست؛ اینجا «تجسد» اتفاق می‌افتد. هدیه محقق با سکوت‌هایش حرف می‌زند. چشمانش، پیش از زبانش، به فاجعه اعتراف می‌کنند. او زنی است که درد را در بافت واژه‌ها پنهان نمی‌کند، بلکه آن را مثل خونی زیرپوستی، در سراسر صحنه جاری می‌کند. او شکست را ادا نمی‌کند، بلکه زندگی‌اش را از درون آن عبور می‌دهد. بهاره رهنما، نه صرفاً شمایل یک زن فریب‌خورده، بلکه خود فریب است؛ چهره‌ای که در مرز ظرافت و قدرت، با لحنی تلخ اما رام‌نشدنی، بار یک نسل را به دوش می‌کشد. او پیچیدگی زنی را به نمایش می‌گذارد که میان بوسه و دستور، میان شعر و سرکوب، معلق مانده. گاه به تندی یک شلاق و گاه به نرمی یک وداع. السا فیروزآذر، با نگاهی کودک‌مانده، اما روحی پیر، زنی را مجسم می‌کند که میان افسانه و جنون بزرگ شده. بدنش شکننده است، اما نگاهش چون میخی است در دیوار حافظه. او آخرین تصویر یک عشق مسموم است، دختری که هنوز نمی‌داند از چه چیزی دفاع می‌کند. این سه بازیگر، به جای آنکه روایت را بر دوش بکشند، اجازه می‌دهند روایت از آنها عبور کند؛ مثل نوری که از شیشه‌های ترک‌خورده می‌گذرد. هرکدام، بخشی از یک پازل گم‌شده‌اند؛ یازلی از زنی که زمانی «بانوی اول» نامیده می‌شد. اما اکنون فقط نامی است بی‌صدا در حاشیه تاریخ. «دوره‌می بانوی اول»، نه درباره دیکتاتورهاست، نه درباره زنان؛ بلکه درباره زنی است که در آینه قدرت، خودش را گم می‌کند. اما در واپسین لحظات، تصمیم می‌گیرد آخرین لالایی‌اش را نه برای دیکتاتور، بلکه برای فردا بخواند.

۲۸۰ میلیون سال

نور کهکشانی ۲۸۰ میلیون سال پس از مهبانگ، به تلسکوپ جیمز وب رسیده است. این دورترین کهکشانی است که تا به امروز رصد شده است. قبل از جیمز وب، انسان هیچ تلسکوپ مادون قرمزی با آینه‌های به اندازه کافی بزرگ برای شناسایی نور کهکشان‌های اولیه نداشت. هابل می‌تواند نور نزدیک به مادون قرمز را ببیند، اما فقط یک آن۲.۴متری دارد. این تلسکوپ تنها یک کهکشان در ۵۰۰ میلیون سالگی کیهان را پیدا کرد. تلسکوپ فضایی اسپیتزر یک تلسکوپ مادون قرمز اختصاصی بود، اما فقط یک آینه ۸۵سانتی‌متری داشت.

هنرخوانی

برندگان نوعی نگاه

جشنواره کن معرفی شدند

چند ساعت مانده به مراسم اختتامیه جشنواره کن، برق در این شهر رفت؛ هرچند کاخ جشنواره تنها مکانی بود که برق داشت و نشست خبری و نمایش فیلم برگزار شد. از نظر پلیس فرانسه و با تحقیقی که انجام شد، با آتش‌سوزی عمدی در یکی از ایستگاه‌های برق، این قطعی رخ داده بود. برندگان بخش رقابتی «نوعی نگاه»، اولین گروه برندگان جشنواره هفتادوهشتم بودند. هیئت داوران این بخش که جدا از بخش اصلی بود، در سالن دویوبسی برندگان خود را اعلام کردند. رئیس هیئت داوران، مولی مینینگ واکر بود و «لونی‌ز کوررووازه»، «وانیا کالوچرچیچ»، «روبرتو مینروینی» و همچنین «ناهوئل پرز بیسکایارت» از میان ۲۰ فیلم سینمایی، استعدادهای جدید سینما در جهان را معرفی کردند. جایزه بهترین فیلم به فیلم سینمایی «نگاه اسرارآمیز فلامینگو» رسید و جایزه هیئت داوران به فیلم «یک شاعر» اختصاص پیدا کرد. جایزه بهترین کارگردانی این بخش از جشنواره، به‌طور مشترک به «عرب ناصر» و «تازران ناصر» برای کارگردانی فیلم سینمایی «روزی روزگاری در غزه» محصول مشترک کشورهای فرانسه، فلسطین، آلمان و پرتغال اهدا شد. جایزه بهترین بازیگر مرد، به فرانک دیلان از فیلم «خاریشت» و جایزه بهترین بازیگر زن به کلئو دیار برای بازی در فیلم «فقط در توفان آرام می‌گیرم» اهدا شد. همچنین جایزه بهترین فیلم‌نامه به هری لایتون رسید. رئیس جشنواره کن امسال «آیریس کتوبلوخ» بود که با مدیریت هنری «تیری فرمو» برگزار شده بود. غیر از فیلم‌های بخش اصلی و بخش نوعی نگاه، ۱۲ فیلم سینمایی در بخش غیررقابتی، ۹ فیلم در بخش «نمایش ویژه»، ۱۶ فیلم کوتاه در بخش رقابتی (سینه فونداسیون)، ۱۱ فیلم در بخش رقابتی «فیلم کوتاه»، ۱۰ فیلم سینمایی در بخش «اکران کن»، ۳۰ فیلم در بخش «اکران کلاسیک»، ۱۲ فیلم در بخش «سینما ساحل» و... از کارگردانان کشورهای مختلف جهان به نمایش درآمد.